



غوغای نژاد پرستی در عصر فضا!

مسئله «سیاه» و «سفید» هنوز یکی از بزرگترین مشکلات تمدن غربی است!

یک قرن بدبختی، فلاکت، نومیذی، و وعده‌های انجام نشده، تحقیر، خشونت و کینه سیاه‌پوستان را یکی از سفیدپوستان جدا کرده و آبادی صورت یک ملت جداگانه در داخل و ملت آمریکا در آورده و این ترتیب جای شکفتی نیست که «سیاه پوستان» برای بدست آوردن حقوق مساوی با «سفیدپوستان» قیام کنند.

اطلاعات: نقل از مطبوعات فرانسه

مرداتی که در جهان میگذرد روز بروز باور به ناسا و نژادگرایی کنونی و این استواری که در برابر بشر در عصر فضا قرار گرفته، واقفتر می‌شود. روز بروز ایمان ما را بنامیدن پر زرق و برق و سر حاضر سفید تر نموده و زوایای شیرین و ملالی را که آن دانشمندان در پی برچودن آنند، تاریک و وحشتناکی را که در انتظار انسان در عصر ماست مجسم می‌نمایند.

برای کسانی که از دور می‌نشینند و در پاره تمدن قریباً قضاوت میکنند و می‌پندارند که آنها را یک دولت برین، می‌نمایند شاید منجرب آور باشد که بشوند هنوز مسئله نژاد و رنگ پوست بلن یکی از بزرگترین مشکلات اجتماعی آنها محسوب میگردد! و هنوز علی‌رغم اعلامیه حقوق بشر که هر سال مراسم جشن باشکوه آن را بر گرامی می‌نمایند

عملاً برای بشر، حتی شناخته نشده، و تنها بشرهای زورمندند که دارای همه گونه امتیازات و حقوق انسانی میباشند.

هنوز سیاه‌پوستان بجز مرگ پوست بدنشان. همان جنس است همان موجودات نقرت انگیز و کثیف و صان افراد ناسسته تحقیرند.

گر چه در گذشته گاهگاهی موج از احساسات بشر دوستانه، بنفع سیاهان جهانرا فرا گرفته و در بنام آن قوانینی بود آنها یعنی سودناستیت. وضع شده، ولی با کمال تعجب دیده میشود همان قوانینی که بیشتر جنبه تشریفاتی داشته عملی اخیراً مورد تجدید نظر قرار گرفته، و روی آن «به» در آورده اند و گویا ناهست با یک جهشی سریع ارتجاعی همین جسمه های بی روح را که اقل جنبه تزیینی داشته و کمی مایه دلخوشی بودند درهم بکوبند، و قوانین انسانی خود را از لوث آنها پاک کنند.

بد نیست برای اطلاع خوانندگان گرامی چند نمونه آنرا که اخیراً در مطبوعات فرانسه چنانست شورش سیاهان آمریکا اشعار یافته و پرده از این راز وحشتناک بر میدارد منعکس سازیم (۱)

۱- در ماه اکتبر گذشته رئیس جمهور آمریکا در ایرتو دید ستاتوهای جنوب تا جاز شهر نامی که برای مبارزه با فقر دره میسی سی پی و بحر حلقا را در آورده بود متوقف سازد! یعنی بر نامه‌ای که اگر اجرا میشد مسکن بود گوشه‌ای از مشکلات سیاه‌پوستان آن کشور واصل کند بر اثر اعمال نفوذ سیاستمداران نژاد پرست زیر پا گذاشته شد.

۲- نمایندگان ایالات شمال و جنوب در کنفره دست به دست هم داده اند و میخواهند قانون حقوق مدنی سیاه‌پوستان که در سال ۱۹۶۴ تصویب رسید مورد تجدید نظر قرار گیرد.

یعنی این ترتیب تنها قانونی که بناها گاهی برای سیاه پوستان آن کشور محسوب میشدو آتیه میروند برای آن بر اده انداختند، حتی بعقیده عده‌ای رئیس جمهور سابق آمریکا نیز بخاطر واقعه‌ای برای تسویب همین قانون بقتل رسید، در شرف سقوط و از هم پاشیدن است.

۳- مجلس نمای آمریکا تحت فشار افراطیون طرفدار تمیض نژادی، چندین بار در بند بر آمد به پزشکان سفید پوست اجازه دهد در بیمارستانها بعلل «بهداشتی» سیاه پوستان را علقاً از سفید پوستان جدا کنند!

یعنی «علل بهداشتی» نیز ساخته پیدا است. یعنی سیاه‌پوستان ذاتاً یک موجود آلوده و کثیف و نقرت انگیز میباشند و الا بسیاری از سیاهان آن کشور اصول بهداشت را بیش از سفید پوستان رعایت میکنند.

۴- و از همه عجیبتر اینکه یکی از سفیدپوستان که منجم بقتل «ادگار ارد» رهبر معروف سیاه پوستان بود پس از بر لهره دادگاهی که قضات آن سفید پوست بودند نامزد

(۱) خلاصه ترجمه این مقالات در اطلاعات ۳۶۵ و ۳۶۶ منتشر شده است.

معاونت ایالت « میسوری » در انتخابات آینده شد .

یعنی نژاد پرستان در حقیقت هم او را از چنگال مجازات نجات دادند و هم برای قدردانی و توثیق از وی چنان پستی را در اختیارش گذاردند و یاد دیگر عملاً صدق گفتار « محمد علی کلی » قهرمان سیاه پوست که او هم بحرزدنگ پوستش یا بجرم داشتن منعب اسلام ، یا هر دو ، مورد آذینه « بی شهری » واقع گردید و بیست سال زندان هم محکوم شد اثبات کردند آنجا که گفته بود : از دادگاهی که قضات آن همه سفید پوست هستند انتظار عدالت داشتن غلط است !

از مجموعه حوادث فوقه ما ندانیم که در سطوحات مختلف جهان انتشار یافته و در حرات کشور ما نیز منعکس گردیده است ، این حقیقت تلخ بخوبی آشکار میگردد که مسئله « نژاد پرستی » در عرفنا ، نه تنها فراموش شده ، بلکه همان اندازه که روز پادشختن انسان در گرماده و تاریخ نزدیک میشود در بسیاری از نقاط شدت می یابد و بقرون و اعصار تاریک گذشت باز میگردد .

عکس العمل طبیعی آدمیان صورتی در میان ریشه داری است که امروز سراسر آمریکا یا نقاط مشابه آنرا فرا گرفته است .



چرا یک چنین مسئله ساده ای ، که بنیان گذار آئین اسلام در پیروزان و سیاه رمد سال پیش آنرا به عالیترین صورت حل نمود و امروز در میان پیروان او کمترین اثر و سستی از آن نیست ، در دنیای اصطلاح تمدن امروز این چنین و فرنج و پیچیده جلوه کرده است . بعینه ما علت آن یک چیز بیشتر نیست ، و آن اینکه در جهان امروز در بنای اجتماعات را طرز تفکر مادی تشکیل میدهد و هیچ چیز را مقیاس و مایه و ارزشهای مادی و سنجیده میشود ، و ارزشهای معنوی تقریباً فراموش شده است .

اگر دنیا این حقیقت بزرگ را که اسلام در جمله گفته ، ان اگر مکرم عند الله اتقاکم ،

خلاصه کرده است از روی ایمان می پذیرد که نژاد ، زبان ، رنگ پوست بدن ، ثروت ، و ... نشانه شخصیت و ارزش واقعی انسان نیست ، بلکه همه انسان در اجتماع و در پیشگاه خدا در سایه ارزش معنوی او ، سرمایه های اخلاقی و ایمان اوست هرگز هیچکس یا نظر تحقیر بزرگ سیاه پوست نگاه نخواهد کرد .

چه بسایه پوستانی که دل های سفید دارند و در پیشگاه خدا از سفید پوستان مرفه ترند و ارزش وجودی آنها بیشتر است ، آری تنها این طرز تفکر است که میتواند بیان مسئله فرنج پایان دهد .